

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۴

آیه ۶۵ - ۷۲

آیه و ترجمه

و الى عاد اخاهم هودا قال يقوم اعبدوا الله ما لكم من اله غيره افلاتتقون ۶۵
قال الملا الذين كفروا من قومه انا لنرئک فی سفاهة و انا لنظنک
من الکذبین ۶۶

قال يقوم ليس بى سفاهة و لكنى رسول من رب العلمين ۶۷

ابلغکم رسلت ربى و انا لکم ناصح امين ۶۸

او عجبتم ان جاءکم ذکر من ربکم على رجل منکم لينذرکم و اذكروا اذ جعلکم
خلفاء من بعد قوم نوح و زادکم فى الخلق بصطة فاذكروا ءالاء الله لعلکم
تفلحون ۶۹

قالوا اجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما كان يعبد ءاباؤنا فاتنا بما تعدنا ان كنت من
الصدقين ۷۰

قال قد وقع عليكم من ربکم رجس و غضب اتجدلوننى فى اسماء سميتموها
انتم و ءاباؤکم ما نزل الله بها من سلطان فانتظروا انى معکم من المنتظرين ۷۱
فانجينه و الذين معه برحمة منا و قطعنا دابر الذين كذبوا بايتنا و ما
كانوا مؤمنين ۷۲

ترجمه :

۶۵ - و به سوى قوم عاد برادرشان هود را فرستادیم، گفت ای قوم من! (تنها)
خدا را پرستش کنید که جز او معبودی برای شما نیست، آیا پرهیزگاری پیشه
نمیکنید؟!

۶۶ - اشراف کافر قوم او گفتند ما تو را در سفاهت (و نادانی و سبک مغزی)
می بینیم و ما مسلما تو را از دروغگویان میدانیم.

۶۷ - گفت: ای قوم من! هیچگونه سفاهتی در من نیست، ولی فرستادهای از
طرف پروردگار جهانیا نم.

۶۸ - رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ میکنم و من خیرخواه امینی برای
شما هستم.

۶۹ - آیا تعجب کرده اید که دستور آگاه کننده پروردگارتان به وسیله مردی

از میان شما به شما برسد تا (از مجازات الهی) بیمتان دهد، و به یاد آورید هنگامی شما را جانشینان قوم نوح قرار داد، و شما را از جهت خلقت گسترش داد (و به نیروی بدنی قوی مجهز ساخت) پس نعمتهای خدا را به یاد آورید شاید رستگار شوید.

۷۰ - گفتند آیا به سراغ ما آمده‌ای که تنها خدای یگانه را بپرستیم و آنچه را پدران ما می‌پرستیدند رها کنیم، حال که چنین است آنچه (از بلا و عذاب الهی) به ما وعده میدهی بیاور اگر راست می‌گویی

۷۱ - گفت: پلیدی و غضب پروردگار شما را فرا گرفته، آیا با من در موردنامه‌ائی مجادله میکنید (که به عنوان معبود و خدا) شما و پدرانتان (بربتهای) گذارده‌اید، در حالی که خداوند هیچ فرمانی درباره آن نازل نکرده است، بنابراین شما منتظر باشید من هم با شما انتظار میکشم.

۷۲ - سرانجام او و کسانی را که با او بودند به رحمت خود نجات بخشیدیم و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند قطع کردیم.

تفسیر :

گوشه‌های از سرگذشت قوم هود

در تعقیب ذکر رسالت نوح و درسهای عبرتی که در آن نهفته بود، به

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۶

سرگذشت یکی دیگر از پیامبران بزرگ یعنی هود و درگیریهای او با قوم و ملتش میپردازد.

این جریان در سوره‌های دیگری از قرآن مجید از جمله سوره شعراء و سوره‌های که به نام هود در قرآن نامگذاری شده مشروحتر آمده است، در آیات مورد بحث تنها فشردهای از گفتگوهای هود و مخالفانش و سرانجام زندگی آنها بازگو شده است.

نخست میفرماید: ما به سوی جمعیت عاد، برادرشان هود را فرستادیم (و الی عاد اخاهم هود).

قوم عاد مردمی بودند که در سرزمین یمن زندگی میکردند، از نظر قدرت جسمانی و ثروت سرشاری که از طریق کشاورزی و دامداری به آنها میرسید، ملتی نیرومند و قوی بودند، ولی انحرافات عقیده‌های مخصوصا بتپرستی و مفاسد اخلاقی در میان آنها غوغا میکرد.

هود که از آنان بود و با آنها خویشاوندی داشت، از طرف پروردگار مامور دعوت آنها به سوی حق و مبارزه با فساد گردید، و شاید تعبیر به اخاهم (برادرشان) اشاره به همین پیوند نسبی باشد که در میان هود و قوم عاد بود.

این احتمال نیز وجود دارد که تعبیر به برادر در مورد حضرت هود و همچنین در مورد چند نفر دیگر از پیامبران الهی مانند نوح (سوره شعراء - ۱۰۶) و صالح (سوره شعراء - ۱۴۲) و لوط (سوره شعراء - ۱۶۱) و شعیب (سوره اعراف - ۸۵) به خاطر این باشد که آنها در نهایت دلسوزی و مهربانی، همچون یک برادر، با قوم و جمعیت خود رفتاری می کردند، و از هیچ کوشش و تلاشی برای هدایت آنها فروگذار نکردند، این تعبیر در مورد کسانی که نهایت دلسوزی در باره فرد یا جمعیتی به خرج میدهند گفته میشود، به علاوه این تعبیر حاکی از یک نوع برابری و نفی هر گونه تفوق طلبی و ریاست طلبی است یعنی این مردان

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۷

خدا هیچگونه داعیه‌ای در زمینه هدایت آنها در سر نداشتند، بلکه صرفاً به خاطر نجات آنان از گرداب بدبختی دست و پا میکردند.

در هر حال روشن است که تعبیر اخاهم هرگز اشاره به برادری دینی نیست زیرا این اقوام غالباً به دعوت اصلاح طلبانه پیامبران پاسخ مثبت ندادند سپس میگوید: هود دعوت خود را از مساله توحید و مبارزه با شرک و بت پرستی شروع کرد و به آنها گفت ای قوم من! خداوند یگانه را بپرستید که هیچ معبودی برای شما غیر او نیست، آیا پرهیزگاری را پیشه نمی کنید؟ (قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم من اله غیره افلا تتقون).

ولی این جمعیت خودخواه و متکبر، مخصوصاً ثروتمندان از خودراضی که قرآن از آنها تعبیر به ملا کرده است، یعنی ظاهر آنها چشم پرکن بود، به هود همان گفتند که قوم نوح به نوح گفته بودند، بلکه نسبت سفاهت نیز به او دادند، گفتند ما تو را در سفاهت و سبک مغزی می بینیم و گمان میکنیم تو از دروغگویان باشی! (قال الملا الذین کفروا من قومہ انا لنراک فی سفاہة و انا لنظنک من الکاذبین).

سفاهت و سبک مغزی از نظر آنها این بود که انسانی بر خلاف سنتهای محیط هر چند غلط و نادرست باشد بپاخیزد، و حتی جان خود را در این راه به خطر

افکند سفاهت در منطق آنان این بود که کسی هم‌رنگ محیط نشود و نان را به نرخ روز نخورد و برای سنتشکنی بپاخیزد و هرگونه ناراحتی و دردسری را برای خود بخرد. اما هود با وقار و ادبی که مخصوص پیامبران و رهبران راستین و پاک است، بی آنکه از گفته آنان عصبانی و یا دلسرد و مایوس گردد، گفت: ای جمعیت من!

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۸

هیچگونه سفاهتی در من نیست و وضع رفتار و گفتار من بهترین دلیل بر سرمایه‌های عقلانی من است، من فرستاده پروردگار جهانیانم (قال یا قوم لیس بی سفاهة و لکنی رسول من رب العالمین). هود اضافه کرد من وظیفه دارم رسالتهای پروردگارم را به شما ابلاغ کنم و دستورهای را که ضامن سعادت و خوشبختی شما و نجات از گرداب شرک و فساد است در اختیار شما بگذارم، آن هم در نهایت دلسوزی و خیرخواهی و در نهایت امانت و درستکاری (ابلغکم رسالات ربی و انالکم ناصح امین). سپس هود در برابر افرادی که از بعثت یک انسان به عنوان پیامبر در تعجب بودند به همان مطلبی اشاره می‌کند که نوح پیامبر نیز به قوم خود گفته بود و آن اینکه: آیا تعجب میکنید که از طرف پروردگار به فردی از شما وحی شود، تا شما را از کیفرهایی که به خاطر اعمالتان در پیش دارید بیم دهد؟! (او عجبتم ان جائکم ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم). سپس برای تحریک عواطف خفته آنها و برانگیختن حس شکرگزاری در درون جانیشان قسمتی از نعمتهای پروردگار را برای آنان شرح می‌دهد و میگوید: به خاطر بیاورید که خداوند شما را جانشینان قوم نوح قرار داد و هنگامی که آنها بر اثر طغیانشان بوسیله طوفان نابود شدند، سرزمینهای وسیع و گسترده آنان را با تمام نعمتهایی که داشتند در اختیار شما قرار داد (و اذکروا اذ جعلکم خلفاء من بعد قوم نوح). به علاوه به شما قدرت فوق العاده جسمانی و نیروی بدنی عنایت کرد (وزادکم فی الخلق بصطة).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۲۹

جمله زادکم فی الخلق بصطة (شما را از نظر آفرینش گسترش داد) ممکن است - همانطور که در بالا اشاره کردیم - اشاره به قدرت جسمانی قوم عاد باشد، زیرا هم از آیات مختلف قرآن و هم از تواریخ برمی آید که آنها مردمی درشت استخوان و قوی پیکر و نیرومند بودند در آیه ۱۵ سوره فصلت از قول آنها می خوانیم من اشد منا قوة: چه کسی از ما نیرومندتر است و در آیه ۷ سوره حاقه در مورد بلایی که به جرم اعمالشان بر سر آنها آمد می خوانیم فتری القوم فیها صرعی کانهما اعجاز نخل خاویه: قوم عاد را میدیدی که بر اثر طوفان آنچنان روی زمین افتاده اند که گویا تنه های درختان نخل بود که به روی زمین افتاده بود!

و نیز می تواند اشاره به افزایش ثروت و قدرت مالی و تمدن ظاهری و پیشرفته آنها بوده باشد، آنچنانکه از آیات دیگر قرآن و تواریخ استفاده میشود، ولی احتمال اول با ظاهر آیه متناسبتر است.

و در پایان به آن جمعیت خودخواه خاطر نشان می سازد که نعمتهای گوناگون پروردگار را به خاطر بیاورید تا حس شکرگزاری شما برانگیخته شود و در برابر فرمان او تسلیم شوید شاید رستگار گردید (فاذکروا آلاء الله لعلکم تفلحون).

اما در مقابل این اندرزها و راهنماییهای منطقی و یادآوری نعمتهای الهی آنها که منافع مادی خود را در خطر می دیدند و قبول دعوت او را مانع هوسبازیهای خویش می دانستند، در مقام مخالفت بر آمده و صریحا اعلام داشتند که آیا تو آمدهای که ما را به سوی خدای یگانه دعوت کنی و تمام معبودهائی را که پدران و نیاکان ما سالیان دراز در برابر آن سر تعظیم فرود آورده اند و به عظمت شناخته اند،

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۳۰

رها سازیم؟! نه هرگز چنین چیزی ممکن نیست (قالوا اجئتنا لنعبد الله وحده و نذر ما کان یعبد آبائنا).

همانطور که ملاحظه می کنید سطح افکار آنان به قدری پائین بود که از پرستش خدای یگانه وحشت داشتند و پراکندگی و تعدد خدایان را برای خود، مایه افتخار می پنداشتند، و جالب اینکه تنها منطق آنان در این زمینه همان تقلید کورکورانه از سنن نیاکان بود و گر نه چگونه ممکن بود بتوانند،

تعظیم در برابر قطعات سنگ و چوب را توجیه کنند.
و سرانجام برای اینکه امید هود را به کلی از خود قطع کنند و به اصطلاح حرف
آخر را به او زده باشند گفتند: اگر راست میگوئی و عذابها و مجازات‌هایی را
که به ما وعده میدهی حقیقت دارد، هر چه زودتر آنها را به سراغ ما بفرست و ما
را محو و نابود کن! (یعنی ما کمترین واهمه‌ای از تهدیدهای تو نداریم) (فاتنا
بما تعدنا ان كنت من الصادقين).

هنگامی که سخن به اینجا رسید و آخرین حرف خود را که نشانه امتناع کامل از
قبول دعوت هود بود زدند و او به کلی از هدایت آنان مایوس شد، به آنها گفت:
اکنون که چنین است بدانید عذاب و کیفر و خشم خدا بر شما مسلما واقع
خواهد شد (قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب).

رجس در اصل به معنی چیز ناپاک است و بعضی از مفسران معتقدند ریشه
اصلی آن معنی وسیعتری دارد و به معنی هر چیزی است که باعث دوری و
تنفر می‌شود و لذا به انواع پلیدیها و نجاستها و مجازاتها، رجس گفته میشود،
زیرا همه این امور موجب فاصله گرفتن انسان و تنفر او میگردد.

در هر صورت این کلمه در آیه فوق می‌تواند به معنی مجازات و عذاب الهی
باشد و ذکر آن با جمله قد وقع که به صورت فعل ماضی است اشاره به این

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۳۱

است که به طور قطع شما مستحق عذاب شده‌اید و دامن‌تان را خواهد گرفت.
و نیز ممکن است به معنی پلیدی و آلودگی روح باشد یعنی آنچنان
در گرداب انحراف و فساد فرو رفته‌اید که روح شما در زیر پوششی
از آلودگیها قرار گرفته است و به خاطر آن مشمول غضب خدا شده‌اید.
سپس برای اینکه گفتار آنها درباره بتها بدون پاسخ نماند اضافه می‌کند: «آیا
شما با من در مورد چیزهایی که از الوهیت جز نامی بی‌اثر ندارند و نیاکان شما
اسم خدا بر آنها گذارده‌اند و به دروغ آثار و خاصیتی برای آنها قائل شده‌اند، به
مجادله برخاسته‌اید، در حالی که هیچگونه فرمان و حجتی از ناحیه خدا در این
باره نازل نشده است» (اتجاد لونی فی اسماء سمیتموها انتم و آبائکم ما نزل
الله بها من سلطان).

در حقیقت بت‌های شما از الوهیت، تنها یک اسم بی‌مسمی دارند، اسمی که
زائیده پندارهای خام شما و نیاکانتان است و گر نه با قطعات سنگ و چوب

دیگر بیابان و جنگل هیچ تفاوتی ندارد.

سپس گفت: «اکنون که چنین است شما در انتظار بمانید من هم با شما انتظار می‌کشم، شما در این انتظار باشید که بتها یاریتان کنند و من در انتظارم که عذاب دردناک الهی بر شما فرود آید» آینده نشان خواهد داد کدامیک از این دو انتظار به حقیقت نزدیکتر خواهد بود (فانتظروانی معکم من المنتظرین).

در آخرین آیه مورد بحث، سرانجام کار این قوم لجوج در عبارت کوتاهی چنین بیان شده است: «ما هود و کسانی را که با او بودند به لطف و رحمت خود، رهائی بخشیدیم، و ریشه کسانی که آیات ما را تکذیب کردند و حاضر نبودند در برابر حق تسلیم شوند، قطع و نابود ساختیم» (فانجیناه و الذین معه برحمة منا و قطعنا دابر الذین کذبوا بایاتنا و ما کانوا مؤمنین).

تفسیر نمونه جلد ۶ صفحه ۲۳۲

«دابر» در لغت به معنی آخر و پایان چیزی است، بنابراین مفهوم آیه این است که آنها را تا به آخر نابود ساختیم و ریشه‌هایشان به کلی قطع شد. (درباره قوم عاد و بقیه خصوصیات زندگی آنها و چگونگی مجازات و عذابی که بر آنها نازل شد بخواست خدا مشروحا در تفسیر سوره هود بحث خواهیم کرد).